



غرب دچار توهم است ایران با قدرت از تحریم‌ها عبور می‌کند

یک نشریه معتبر آلمانی ضمن ارزیابی تحریم‌های غرب علیه ایران، برخی از دروغ‌های بزرگ غرب را در این زمینه بازگو کرد.

یک نشریه معتبر آلمانی ضمن ارزیابی تحریم‌های غرب علیه ایران، برخی از دروغ‌های بزرگ غرب را در این زمینه بازگو کرد. روزنامه یونگه ولت در گزارش تحلیلی مبسوط خود نوشت: آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها می‌پرسند آیا تحریم‌ها علیه ایران عمل می‌کنند؟ سیاستمداران و روزنامه‌نگاران آلمانی می‌پرسند آیا تحریم‌ها تاثیری دارند؟ پرسش این است که آیا تحریم‌ها افزون بر آسیب اقتصادی، قادر هستند که رهبری ایران را مجبور به عقب‌نشینی و چشم‌پوشی از بخش‌های اساسی برنامه هسته‌ای این کشور کنند؟ آنچه مورد مناقشه و تردید است اثرگذاری این تحریم‌هاست. آیا علائمی به چشم می‌آیند که نشان دهند غرب می‌تواند خواست‌های گسترده خود را که در واقع از دعوا بر سر برنامه اتمی بسیار فراتر می‌روند، به رهبری ایران تحمیل کند؟ پاسخ به این پرسش سیاستگران و روزنامه‌نگاران غربی را دچار محذور می‌کند؛ زیرا آنها از یک سو مجبورند واکنش‌هایی خیالی برای رهبری ایران بسازند که «#171؛ استراتژی» ادامه تشدید اقدامات تنبیهی را موجه جلوه دهد و از سوی دیگر نیز می‌خواهند موضع‌گیری اساسی خود را حفظ کنند و بگویند که ایران حاضر به مذاکره و سازش است. چون بالاخره باید به نحوی توضیح بدهند که چرا غرب مذاکرات را در ماه ژوئن قطع کرد و از آن پس نیز آن را دنبال نکرده است.

یونگه ولت افزود: این مشکل، پریشان‌گویی‌های درهم برهمی را به بار می‌آورد که فاقد منطق درونی است. مثلاً ریچارد هرزینگر در «#171؛ دی ولت» که یک روزنامه تبلیغاتی جهت‌دار است می‌نویسد «#171؛ تحریم‌های ناشی از دعوی اتمی به رژیم تهران ضربه زده است. ولی غرب نباید تصور کند که پس جمهوری اسلامی کوتاه می‌آید». واقعیت این است که اقتصاد ایران در معرض فروپاشی قرار ندارد.

روزنامه آلمانی در ادامه این گزارش، عنوان «#171؛ جامعه جهانی» را دروغی بزرگ در عرصه تحریم‌ها خواند و نوشت: طبق زبان و اصطلاحات یکسان‌سازی شده در خط تبلیغاتی مسلط بر رسانه‌های هوادار سرمایه‌داری غرب، ایران در برابر جبهه متحد «#171؛ جامعه بین‌المللی» قرار دارد. ولی اگر واقعیت را آن‌گونه که هست بنگریم درمی‌یابیم که این ادعا یک دروغ تبلیغاتی است. این روزنامه نوشت: تحریم‌های سازمان ملل یک دکور خوش‌منظر برای سیاست آمریکا و هم‌پیمان‌های آمریکا است، در واقع فقط زینتی است برای تایید آن دروغی که خواست «#171؛ جامعه جهانی» خوانده می‌شود. به معنی واقعی کلمه تمام تحریم‌های صورت گرفته علیه ایران «#171؛ یک جانبه» هستند، یعنی این تصمیمات نه مصوبات شورای امنیت سازمان ملل بلکه تصمیمات برخی از کشورها هستند. برخی از این تصمیمات علیه ایران هستند، مثلاً تحریم خرید نفت از سوی اتحادیه اروپا که از اول ماه ژوئیه به اجرا درآمد، ولی هدف واقعی این تصمیمات کشورهای طرف معامله با ایران هستند.

گزارشگر یونگه ولت اذعان می‌کند: در واقع فقط چند کشور هستند که خود تاجی بر سر خویش نهاده و به خود لقب «#171؛ جامعه جهانی» داده‌اند. اینها عبارتند از: آمریکا، برخی اعضای اتحادیه اروپا، کانادا- و البته فراموش نشود، اسرائیل- همین! بقیه کشورهای جهان با این استراتژی اخاذی که نقاب «#171؛ دیپلماسی» بر چهره خود می‌گذارند، همراهی نمی‌کنند. در میان آنها کشورهایی هستند که بی‌تردید به «#171؛ اتحادیه غرب» تعلق دارند، مانند ژاپن، کره جنوبی و ترکیه و کشورهای وابسته به آمریکا مانند پاکستان، افغانستان، عراق و مصر. اما حتی در خود اتحادیه اروپا هم در مورد تحریم اتفاق نظر وجود ندارد. نمونه آن مقاومت کشورهایمانند یونان و سوئد است. روسیه و چین هم که جای خود دارند.

روزنامه چاپ برلین در بخش دیگری از این تحلیل می‌نویسد: ایران با در نظر گرفتن گرایش‌های مقاوم در برابر حکمرانی آمریکا ابراز اطمینان می‌کند که هم می‌تواند تحریم‌ها را از سر بگذراند و هم سرانجام حتی مناسبات گسترده بازرگانی با اتحادیه اروپا را باز یابد. ایران مجهزتر از آن است که در بسیاری از تصورات سطحی ادعا می‌شود. براساس کتابی که سازمان اطلاعاتی آمریکا هر ساله به نام Factbook منتشر می‌سازد تولید ناخالص ملی ایران (GDP) براساس قدرت خرید آن در سال 2011 در حدود 930 میلیارد دلار بوده است. براین اساس در مقیاس جهانی ایران در مرتبه 17 یا 18 قرار دارد. تراژنامه بازرگانی جهانی ایران پیوسته مثبت است و موجب شده است که ایران بین 70 تا 100 میلیارد دلار ذخیره طلا و ارز داشته باشد.

یونگه ولت نوشت: ایران از لحاظ منابع نفتی پس از عربستان سعودی و کانادا در جهان در مرتبه سوم و از لحاظ منابع گازی پس از روسیه در مرتبه دوم جهانی قرار دارد. کارشناسان ایرانی این نظر کاملاً پذیرفتنی را مطرح کرده‌اند که اگر جمع ظرفیت منابع نفت و گاز را مینا قرار دهیم ایران از لحاظ منابع Hydrokarbon در جهان مقام اول را دارد. برخلاف برخی از دیگر کشورهای صاحب نفت بویژه در شبه جزیره عربستان، ایران از سالها پیش بخشی از سود حاصله از تولیدات صنعتی خود را به سرمایه‌گذاری دوباره اختصاص داده است. هدف این برنامه آن است که این کشور در آینده از میزان صادرات نفت خام بکاهد و بر صادرات کالاهایی که خود با استفاده از نفت خام تولید می‌کند بیفزاید.

این گزارش خاطر نشان می‌کند: از آنجا که واردات نفتی کشورهای اروپایی از ایران حتی به یک پنجم از تولید ایران نیز نمی‌رسد و واردات نفتی آمریکا از ایران نیز از سالها پیش قطع شده بود، تاثیر تحریم خرید نفت ایران از همان آغاز اندک بود. در سال 2010، 20 درصد از نفت ایران به چین، 17 درصد به ژاپن، 16 درصد به هند و 9 درصد به کره جنوبی صادر شده است. افزون بر این ترکیه

یکی از واردکنندگان مهم نفت و گاز طبیعی ایران است. هدف آمریکا و اتحادیه اروپا، در درجه اول، فشار آوردن بر این کشورهاست تا بتوانند به مقصود نهایی خود دست یابند.

روزنامه آلمانی با اشاره به تدابیر ایران برای دور زدن تحریم ها نوشت: یکی از اهرم های آمریکا موقعیت آن در بازارهای بین المللی مالی است. امروز ایران بهای بخش مهمی از صادرات خود را به پول کشور خریدار دریافت می کند. مثلاً به «یوان» چینی، روپیه هندی و یا از طریق مبادله کالا. مثلاً پاکستان در برابر دریافت نفت، گندم به ایران می دهد. به این صورت در اثر تحریم های آمریکایی- اروپایی نه تنها اندک اندک موقعیت دلار بعنوان ارز رایج برای معاملات بین المللی متزلزل می شود بلکه موازین بین المللی بازرگانی و اعتماد به این موازین منهدم و یا دست کم متزلزل می گردد. تردیدی نیست که کشورهایی مانند روسیه، چین یا هند از این وضع نتیجه گیری های استراتژیک خود را خواهند کرد؛ جنگ سرد پایان نیافته است.

در ادامه گزارش آمده است: آیا این سیاست به این هزینه می ارزد؟ طبق اطلاعات منتشره از سوی سازمان جهانی بازرگانی (WTO) ارزش کل صادرات ایران در سال گذشته 131 میلیارد دلار بوده است. بیش از 100 میلیارد دلار آن حاصل فروش نفت بوده است. طبق تخمین های غربی صادرات نفت ایران در سال جاری می تواند به 70 میلیارد دلار کاهش یابد. فاصله این وضع با فروپاشی اقتصادی بسیار زیاد است، این کاهش صادرات حتی فاجعه آمیز هم نیست. برای درک این نکته باید نگاهی به سیر تحولات اقتصاد ایران بیفکنیم. در آغاز دعوا بر سر برنامه اتمی ایران، در سال 2003، ارزش صادرات ایران فقط 30 میلیارد دلار بود. در سال 2006 که نخستین تصمیم به تحریم گرفته شد صادرات ایران به 60 میلیارد دلار بالغ شده بود. در سال 2004 درآمد ایران از فروش نفت بدلیل کاهش شدید بهای نفت در بازار جهانی 37 میلیارد دلار بود. در سال 2006 درآمد ایران 46 میلیارد دلار بود یعنی به مراتب کمتر از تخمین های غربی برای سال جاری. در آن سالها هیچ کس سخن از «وضعیت دراماتیک» نمی گفت.

یونگه ولت اضافه کرد: همین وضع در مورد واردات ایران نیز مشاهده می شود: در سال 2000 واردات ایران 13/7 میلیارد دلار بود، در سال 2009 به 55/2 میلیارد بالغ گردید که افزایشی است بیش از 4 برابر. و سرانجام در سال 2011 به 76/1 میلیارد دلار ارتقاء یافته است. ایران در دوازده سال پیش، برغم وارداتی به مراتب کمتر، فرو نپاشید. با توجه به این زمینه روشن می گردد که این کشور را نمی توان با قحطی روبرو کرد، آنطور که برخی از هواداران تحریم ها در غرب می خواهند بیاوراند.

این روزنامه در پایان خاطر نشان کرده است: مارک دوبوویتس، رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی، که یک بنیاد نومحافظه کار در واشنگتن است، در مقاله ای در «جروزالم پست» تصریح کرد: «طبق تحلیل ما از ترازنامه پرداختی ایران، ذخایر ارزی کنونی این کشور و در شرایط موجود، دست کم برای دو سال دیگر کافی است.» این محاسبه بر مبنای بدترین شرایط صورت گرفته است، شرایطی که وقوع آن ممکن به نظر نمی رسد، یعنی در حالتی که ایران کلیه درآمد صادراتی خود را از دست داده باشد. آمریکا و غرب در خوش بینانه ترین قضاوت به 10 سال زمان نیاز دارند تا تحریم ها موثر واقع شود، تازه مشروط به اینکه روسیه، چین و دیگر کشورهای سنگین وزن جهان اجازه ادامه این بازی را به واشنگتن بدهند. اما هشدار و فشار هیستریک دستگاه های تبلیغاتی غرب را تا 10 سال دیگر نمی شود ادامه داد.